

رود آواز در زمستان سخت ۱۸۶۰ یخ بست، برفی سهمگین دشت‌های پیکاردی سفلا را در بر گرفت؛ و از همه مهم‌تر، روز کریسمس بورانی از شمال شرق آمد و بومون را کم‌وبیش دفن کرد. برف که از صبح بنای باریدن گذاشته بود، حوالی غروب شدتی دوچندان گرفت و در طول شب روی هم انباشته شد. در شهر علیا، در خیابان اورفور که انتهای آن بازوی عرضی کلیسای جامع به حالتی محصور قرار گرفته است، برف با فشار باد فرو می‌رفت و به در اگنس قدیس، در باستانی ژمانسک^۱ و کم‌وبیش گوتیکی می‌کوبید که زیر سنتوری^۲ عریان و بی‌پیرایه‌اش با مجسمه‌های فراوان تزئین شده بود. روز بعد، هنگام سپیده دم برف حدود یک متر بالا آمده بود.

۱. سبکی در معماری که در قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی در اروپا رواج داشته است.

۲. سه‌گوش بالای درگاه ساختمان را در معماری سنتوری می‌گویند.